

| |
|---|
| حدیث روز: <p>امام حسن (ع)، همانا در این قرآن چراغ‌های هدایت به سوی نور و سعادت موجود است و این قرآن شفاي دل‌ها و وسيله‌ها است.</p> |
| پلک احساس: <p>من اگر نیکم و گرد تو برو خود را باش هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت</p> |
| اوقات شرعی: <p>اذان ظهر: ۱۲/۵۹ اذان مغرب: ۱۹/۲۸ اذان صبح (فردا): ۵/۴۴ طلوع خورشید (فردا): ۶/۴۹</p> |










ج‌ام‌دیل

■ شایه ۳۶۳۷۰-ISSN۱۷۳۵۰۰۰۰
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

چهارشنبه ۲۶ شهریور ۱۳۹۹ | ۲۷ محرم ۱۴۴۲ | صفحه ۱سال بیست و یکم- شماره ۵۷۵۷ | استان تهران و البرز +۲۵۰ تومان- دیگر استان ها +۱۵۰ تومان Wednesday - September 16, 2020

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر شماره ۱۳۹
■ تلفن: +۹۰-۲۳۰۰۰۰۰۰ | دوزنگار تحریریه: ۲۲۲۶۶۲۵۲
■ سازمان‌شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۹۱۹۱۳۳۰
■ امور مشترکین: ۴۴۲۶۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۰۰۵۰۰۰۰۰۰۰
■ شماره پیامک: +۳۰۰۰۱۱۳۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۶۱۴۴
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام‌جم

| | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| پیش‌بینی آب و هوا چهارشنبه | تهران | ایلام | اردبیل | بندرعباس | ساری | زنجان | شیراز | یزد |
|  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| ۲۰ / ۲۹ | ۱۵ / ۳۴ | ۱۳ / ۲۳ | ۲۷ / ۴۱ | ۱۹ / ۳۰ | ۱۱ / ۲۷ | ۱۴ / ۳۳ | ۱۷ / ۳۲ | |



من، محمد، خدا و گوگل



حامد عسگری
شاعر و نویسنده

🔗 هر ده دوازده هزار کیلومتر یک بار، یک چراغ کوچولوی نارنجی زیر عقربه کیلومترشمار روشن می‌شد و این یعنی اینکه رسیدگی می‌خواهد. گارانتی بود می‌بردم نمایندگی و روغن و فیلتر و کارهایی از این دست را انجام می‌دادند. گارانتی که تمام شده هم چیز پولی شد. و خب قیمت نمایندگی با تعویض روغنی سر کوچه‌مان، هم وقتی به هم هزینه‌ای خیلی توفیر می‌کرد. مشکل فقط یک چیز بود. همان چراغ گردالی کوچولوی زیر کیلومتر. سر کوچه که می‌بردم آن چراغ خاموش نمی‌شد و هر بار زنگ می‌زدم به نمایندگی که این چراغ را چه جوری خاموش کنم جواب می‌شنیدم که باید بیاوری سرویس کنیم و به کامپیوتر وصلش کنیم و تیک سرویس‌ها را توی کامپیوتر ماشینت بزنیم و چراغ خود به خود خاموش می‌شود.

آن شب دل جفتمان گرفته بود. بکهو توی چت گفت بریم قم به زیارتی کنیم برگردیم؟ گفتم بریم... نیم ساعت بعدش جلوی دروزنامه بود. روز سختی داشتم و جان رانندگی تا قم را نداشتم. گفت من می‌نشینم. توی بزرگراه امام علی بودیم که گفت چراغ کوچولوی نارنجی چرا روشن است؟ قصه را گفتم. توی یکی از عقب رفتگی‌های اتوبان زد کنار. فلاشر را روشن کرد و یک چیزی توی گوش‌ی‌اش تاپ کرد. بعد کلید روی دسته برف پاک کن را ثانویه نگه داشت و چراغ چک خاموش شد به همین راحتی. بعد پیرومندانه گفت: راضی بودی آق عسگری؟ و من راضی بودم. محمد نه تخصص مکانیکی داشت نه تا حالا ماشین من را سوار شده بود. محمد یک خاصیت داشت که چراغ گردالی را خاموش کرد. خاصیت محمد این بود که با گوگل خیلی دوست است و گوگل هم خوب حق رفاقت را به جامی‌آورد. محمد درست سرچ کردن را بلد است.

برگشتن از قم که می‌آمدیم گفتم: خدا هم همین جوری است. ما می‌رویم دورهایمان را می‌زنیم و همه تیغ‌مان می‌زنند و بعد تازه یادمان می‌افتد می‌شود مفت و مجانی از خدا بخواهیم. فقط باید بلد باشیم سرچ کنیم توی آسمانها... 🔗

گفت‌وگو با سریع‌ترین دختر و قوی‌ترین پسر ایران

موفقیت از خانواده شروع می‌شود

🔗 دو اتفاق باعث شد امروز درباره نقش خانواده و به‌خصوص مادران در موفقیت فرزندان و تبدیل آنها به قهرمان یا یک فرد موفق بروم و این‌که بچه‌ها به هر مسیری که بروند-چه راه خوب و چه بیراهه -انگشت اشاره را باید به سمت پدر و مادرها گرفت. باز هم تاکید می‌کنم مادران چون بیشتر از پدران به بچه‌ها نزدیک هستند. کتاب گفت‌وگو با توران میرهادی را می‌خوانم. او در این کتاب درباره مادرش صحبت کرده. مادرش آلمانی بوده که بعد از ازدواج به ایران می‌آید. مجسمه‌ساز بوده اما بعد از این‌که مادر می‌شود، مجسمه‌سازی را رها می‌کند و زمانی که توران بزرگ می‌شود از او می‌پرسد که چرا این هنر را ادامه ندادی، می‌گوید: خدا به من فرزند داد که جان و روح داشتند و من باید به آنها رسیدگی می‌کردم. زمانی که برای ساخت مجسمه بی‌جان صرف می‌کردم را اختصاص به فرزندام دادم که جان داشتند و تلاش کردم زیباترین و بهترین انسان‌ها را از آنها بسازم.

این نگاه مادر به فرزند و چنین خوب به حس و حال

ماهره آشیانی
روزنامه‌نگار

علی داوودی: به عشق مادرم درس می‌خوانم

علی داوودی متولد ۱۳۷۸ و جوان است. این‌که یک متولد آخرهای دهه ۷۰ نام جوان‌ترین قهرمان جهان را به نام خود ثبت کرده باشد، نه تنها در خودش و خانواده‌اش حس خوبی ایجاد می‌کند بلکه در ماهم که ایرانی هستیم حس غرور را برمی‌انگیزد. خیلی از هم‌سن و سال‌های علی هنوز دانشجو هستند و شاید برنامه منجمی برای آینده نداشته باشند اما علی داوودی هم درس می‌خواند و هم تمرین می‌کند تا در المپیک بتواند مدال طلایش را حفظ کند و با خودش هم رقابت کرده و رکوردش را جابه‌جا کند. در رشته تربیت بدنی درس می‌خواند و به زودی لیسانسش را خواهد گرفت. می‌گوید: من ورزشکارم و شاید در ظاهر باید تمرین کنم و بدنم را روی فرم نگه دارم اما باورم این است که تحصیل در رشته ورزشی در موفقیتم تاثیرگذار است. پدرم نظامی بود و مادرم معلم. در خمین متولد شدم اما به تهران مهاجرت کردیم و من با تشویق‌های پدر و برادرم وارد رشته وزنه‌برداری در رشته فوق سنگین شدم. مادرم دوست داشت درس بخوانم و تمرکز روی تحصیل باشد اما من به ورزش علاقه‌مند شدم اما درس را رها نکردم تا مادرم به من امیدوارتر باشد. داوودی از نظم و انضباط می‌گوید و این‌که سال‌هاست در ساعاتی مشخص بیدار می‌شود. تمرین می‌کند، غذاهای مشخص می‌خورد، استراحت می‌کند، می‌خواند و فردا دوباره همین برنامه را از سر می‌گیرد. فرق نمی‌کند که در خانه باشد یا در اردو. باید طبق برنامه‌ریزی مربیان زندگی‌اش را جلو ببرد تا موفق شود. می‌گوید: این راهی است که خودم انتخاب کرده‌ام. هر راهی هزینه‌ای دارد و هزینه قهرمانی چشم‌پستان به خوشی‌ها و تفریحات روزانه است. من توصیه‌ای به هم‌سن و سال‌های خودم ندارم چون هر کسی راه خودش را خودش پیدا می‌کند و تصمیم می‌گیرد که از چه چیزهایی در زندگی‌اش لذت ببرد. خانواده‌ام به من راهی را نشان دادند که به آن علاقه‌مند شده و ادامه‌اش دادم. برادرم یکی از بهترین مربیان است و الان هم مثل زمانی که شروع کردم دلم به حمایت پدر و مادرم گرم است.



هزینه قهرمانی چشم‌پستان به خوشی‌ها و تفریحات روزانه است. من توصیه‌ای به هم‌سن و سال‌های خودم ندارم چون هر کسی راه خودش را خودش پیدا می‌کند و تصمیم می‌گیرد که از چه چیزهایی در زندگی‌اش لذت ببرد. خانواده‌ام به من راهی را نشان دادند که به آن علاقه‌مند شده و ادامه‌اش دادم. برادرم یکی از بهترین مربیان است و الان هم مثل زمانی که شروع کردم دلم به حمایت پدر و مادرم گرم است.

مکت



کافه میرداماد

آنها زندگی آینده خود را بر اساس آن باورها برنامه‌ریزی می‌کنند.

🔗 **مریم طوسی: مادرم پایه‌ای من دودین**

مریم طوسی دهه شصتی است و قهرمان دوی سرعت و در ایران به دختر باد شهرت دارد. او درباره نقش پدر و مادرش در موفقیتش می‌گوید: پدرم در جوانی والیبالیست بود و مشوق خوبی برای رشته ورزشی‌ای بود که انتخاب کردم. دو برادر بزرگتر از خودم دارم اما زمانی که والدین و برادرانم متوجه علاقه‌ام به دو میدانی شدند، همه‌جوره حمایت کردند. مادرم خانه‌دار بود و باید حواسش به بقیه اعضای خانواده هم بود اما پا به پای من آمد. از همان اولی که تمریناتم

را شروع کردم کارهایش را طوری برنامه‌ریزی می‌کرد که بتواند مرا برای تمرین ببرد و برگرداند و در طول زمان تمرین منتظرم بماند. یادم هست خانه ما در غرب تهران بود و زمین تمرینم در شرق. مادرم ماشین نداشت. ظهر با ظرف غذایی‌آمد مدرسه دنبالم. ناهارم را می‌خوردم و با تاکسی و اتوبوس می‌رفتم شرق تهران. گاهی دو ساعتی توی راه بودیم، شب پدرم می‌آمد دنبالمان به خانه بزمی‌گشتیم اما هیچ‌وقت نه پدرم شاکی بود و نه مادرم. وقتی بزرگ‌تر شدم و برای تمرین به اردو می‌رفتم، اگر امکان داشت مادرم می‌آمد و کنارم می‌ماند. وقتی مسابقات خارجی می‌رفتم اگر محدودیتی نبود با هزینه شخصی می‌آمد و باز هم کنارم بود. این همه حمایت به من اعتماد به نفس بی‌نظیری داد. دغدغ‌های نداشتم جز این‌که قهرمان شوم. پدر و مادرم حتی یک‌بار هم سر ورزش حرفه‌ای که انتخاب کرده بودم با هم مخالفتی نداشتند. این توافق باعث شد باور کنم آنها در همه شرایط حامی‌ام هستند. آنها خسته نمی‌شدند و این باور به خودم را بیشتر می‌کرد که من هم باید مانند آنها خستگی‌ناپذیر باشم.

به طوسی می‌گویم، برخی می‌گویند مادران آرزوهای دست‌نیافته خودشان را در فرزندان‌شان جست‌وجو می‌کنند، مادر شما چنین حسی را نسبت به شما داشت، می‌گوید: نه! هیچ‌وقت پدر یا مادرم چیزی را به زور به من تحمیل نکردند، مرا مجبور نکردند که دوومیدانی و دوی سرعت را انتخاب کنم و تحت فشارم نگذاشتند که قهرمان شوم. آنها فقط در من ایجاد انگیزه می‌کردند و علان‌نشان می‌دادند که صد در صد حامی‌ام هستند. تنها چیزی که از آنها می‌شنیدم این بود که کار و حرفه‌ای که انتخاب می‌کنی را به صورت کامل و به بهترین شکل انجام بده. راه را نشانم می‌دادند و بعدا اختیار به خودم واگذار می‌کردند. همه اینها باعث شد تا از همان بچگی اعتماد به نفسم قوی شود. بهترین حامی بودند اما هرگز ایده یا کاری را به من تحمیل نکردند. 🔗

امروز در تاریخ:

🔗 انتشار روزنامه ندای وطن در تیراز ۳۰۰۰ نسخه در تهران (۱۲۸۷ش)
🔗 آغاز دوره چهارم مشروطه (۱۳۲۰ش)
🔗 تشکیل نیروهای سه‌گانه در سپاه پاسداران به فرمان امام خمینی (ره)
(۱۳۴۴ش)
🔗 درگذشت احمد یگدلی، نویسنده (۱۳۹۳ش)

حکمت ۳۳۵:

🔗 هر کس را در مالش دو شریک است، یکی وارث و یکی حوادث.



چگونه خود مراقبتی به ارائه پایان داد



امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

🔗 زن و شوهر جوانی که سال‌گذشته با یکدیگر ازدواج و زندگی مشترک خود را آغاز کرده بودند، در سالگرد ازدواج خود با توجه به این‌که پزشکان در مورد موج سوم کرونا هشدار می‌دادند تصمیم گرفتند به جای بهمانی گرفتن و بزنبوکوب به‌طور دونفری به بازدید از مکان‌های خاطره‌انگیز خود بپردازند و یاد و خاطره ازدواج‌شان را گرمی‌دارند. آنها پس از بازدید از کافه‌ای که در آن به مذاکرات ازدواج پرداخته بودند، رستوران سگ‌پزی‌ای که در آن مسموم شده بودند، پارکی که در آن پییس خورده بودند و یکی دو مکان خاطره‌انگیز دیگر تصمیم گرفتند برای حسن‌ختام به دانشگاه‌شان که در آنجا با هم آشنا شده بودند بروند و روی نیمکت‌ها بنشینند و در بوفه جای‌کیسه‌ای بنوشند و یک‌سالگی زندگی مشترک خود را به جشنی دونفره بنشینند. آنها در بدو ورود به دانشگاه با یکی از استادان که هرکدام به‌طور مجزا با او درس داشتند رسیدند و به او سلام کردند. استاد نگاه‌ی به آن‌ود انداخت و بدون آن‌که ماسک‌ش را پایین بدهد جواب سلام‌شان را داد و رفت. در بوفه مرد جوان به زن جوان گفت: استاد حقیقتا یکی از برجسته‌ترین ارائه‌دهندگان درس زیباشناسی در کشور و منطقه است. زن جوان به مرد جوان گفت: بلی، ارائه‌های استاد در این زمینه بازند و خاص و عام است و یک‌بار یکی از ارائه‌هایشان با حسن‌مطلعی آن‌که ماسک‌ش من پایان یافت. مرد جوان گفت: عزیزم، تو باید بهتر بدانی، حسن‌مطلع به شروع ارائه می‌گویند، نه به پایان آن. زن جوان گفت: درست است. مرد جوان گفت: پس چرا زن جوان گفت: استاد ارائه خود را این‌گونه آغاز کردند که تو چقدر زیبایی. من نیز با بیان این‌که ولی شما بیش از اندازه زشت و هیز هستید بلند شدم و به نطق ایشان پایان دادم و درسم با ایشان را نیز حذف کردم. در این لحظه مرد جوان که از خودمراقبتی همسرش به وجد آمده بود جای خود را هم به او داد و از آن پس به خوبی و خوشی زندگی کرد. 🔗

امضای پیمان صلح امارات و بحرین با رژیم صهیونیستی باعث خشم ملت‌های مسلمان شده است

امضای سیاه در کاخ سفید

وزیران خارجه امارات متحده و بحرین در تضاد با آرمان مردم فلسطین و جهان اسلام، پیمان عادی‌سازی روابط را در حضور دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا امضا کردند. به گزارش ایرنا، عباد... بن زاید آل نهيان از طرف امارات متحده عربی، عبداللطیف بن راشد الزیانی وزیر خارجه بحرین از یک سو و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی از سوی دیگر این توافق را دیروز در کاخ سفید به امضا رساندند.

در ابتدا توافق همکاری میان امارات و رژیم صهیونیستی با واسطه‌گری ترامپ به امضا رسید و سپس توافق مشابهی بین بحرین و رژیم اشغال‌گر امضا شد. ترامپ پیش از این مراسم، به طور جداگانه با وزیران خارجه دو کشور عربی حاشیه خلیج فارس و همچنین با نتانیاهو دیدار و گفت‌وگو کرد. وی در دیدار با بن زاید آل نهيان مدعی شد: توافق‌های امروز می‌تواند به صلح واقعی منجر شود.

طرف‌های حاضر همچنین توافق موسوم به آبراهام (ابراهیم) را به صورت چهارجانبه امضا کردند.

رئیس‌جمهور آمریکا این پیمان را دری هوشمند خواندنه در پشتی برای صلح.

ترامپ در پاسخ به این سوال که چرا در این مراسم هیچ یک از فلسطینیان دعوت نشده‌اند، گفت: آنها می‌بینند چه اتفاقی می‌افتد. اما فکر می‌کنم ما با فلسطینی‌ها در برخی موارد دیدار خواهیم کرد.

وی خطاب به خبرنگاران گفت: شما بدون ریختن خون در خاک، صلح خواهید داشت.

همزمان جمع زیادی از مخالفان عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی مقابل کاخ سفید حضور یافته و علیه اشغالگری این رژیم و نادیده گرفته شدن حقوق مسلم فلسطینیان فریاد زدند.

🔗 **ترامپ: توافق فوق‌العاده‌ای با ایران خواهیم کرد منتها باید تا بعد از انتخابات صبر کنند**

رئیس‌جمهور آمریکا قبل از امضای توافق سازش میان رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی گفت که توافق عظیمی با ایران خواهد کرد.

به گزارش فارس، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در حالی که در کنار بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی ایستاده بود گفت که با ایران «توافقی فوق‌العاده» خواهد کرد.

رئیس‌جمهور آمریکا گفت: «من می‌خواهم ایران کشور بزرگی باشد؛ می‌خواهم ملت بزرگی باشد. فکر می‌کنم این رویداد فوق‌العاده‌ای باشد. من به نماینده‌های آنها گفتم‌ام باید اول صبر کنند انتخابات تمام شود. هیچ چیزی نیست که آنها، چین و احتمالاً روسیه بیشتر از رئیس‌جمهور شدن جو بایدن خوب‌آلود دوست داشته باشند.»

رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه گفت: «چون اگر جوبایدن پیروز شود، آنها ایالات متحده را صاحب

خواهند شد. چین صاحب ایالات متحده خواهد شد. بنابراین، به همه آنها گفته‌ام تا بعد از انتخابات صبر کنند، ولی بعد از انتخابات باید به توافق بهتری برسیم. من این را می‌گویم.»

ترامپ ادامه داد: «ولی بعد از انتخابات باید به توافق بهتری دست پیدا کنیم. درباره ایران، آنها باید تا بعد از انتخابات صبر کنند، چون اگر بایدن پیروز شود، آنها توافق خیلی بهتری نصیبشان می‌شود.» وی گفت: «اولی من توافق خوبی با ایران خواهم کرد. [این توافق] آنها را برخواهد گرداند، ما به آنها به هر طریق ممکن کمک خواهیم کرد و ایران بسیار خوشحال خواهد شد. ایران خیلی سریع ثروتمند خواهد شد. فکر می‌کنم آنها باید تا بعد از انتخابات صبر کنند.» رئیس‌جمهور آمریکا درباره قصد بحرین و امارات متحده عربی برای علنی کردن روابط با رژیم صهیونیستی هم اظهار نظر کرد.

او گفت: «فکر می‌کنم اسرائیل چیزی بیشتر از صلح به دست آورده است. اینها توافق‌های بسیار قدرتمندی هستند. این صلح جدی است. در خاورمیانه صلح برقرار خواهد شد. فکر می‌کنم اسرائیل دیگر منزوی نیست.»

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا دیروز و در مراسم امضای توافق سازش میان رژیم صهیونیستی و دو کشور عربی بحرین و امارات در کاخ سفید مدعی شد که توافق «صلح ابراهیم»، مسیر را برای عبادت

مسلمانان در مسجد الاقصی هموار می‌کند. وی در ادامه سخنانش گفت: «این توافق مسیر را برای صلح در خاورمیانه هموار می‌کند. کسی فکر نمی‌کرد چنین توافقی امکان‌پذیر باشد و من از ملت‌های خاورمیانه خواستم تفاوت‌هایشان را کنار بگذارند.»

🔗 **نتانیاهو در مراسم امضای توافق سازش: قدرت امنیت می‌آورد**

نتانیاهو در مراسم امضای توافق سازش در کاخ سفید با حضور رئیس‌جمهور آمریکا، وزیران امور خارجه امارات و بحرین گفت تاریخ به ما نشان داده که قدرت، امنیت می‌آورد.

به گزارش فارس، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی نیز پس از سخنان ترامپ گفت که امروز روزی جدید برای صلح است.



وی با قدردانی از ترامپ برای ایستادن مقابل ایران مدعی شد: «شما شجاعانه در برابر ستمگران تهران ایستاده‌اید. من از ولیعهد ابوظبی، محمد بن زاید تشکر می‌کنم. من از وزیر خارجه بحرین بابت پیوستن به ما برای آوردن صلح به تمامی فرزندان ابراهیم تشکر می‌کنم.»

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اضافه کرد: مواهب این صلح، عظیم خواهد بود چون این توافق‌ها گسترش یافته و سایر کشورهای عربی را در بر خواهد گرفت و به درگیری میان اسرائیل و اعراب، یکبار برای همیشه پایان خواهد داد.

نتانیاهو اضافه کرد: «این توافق، تنها صلح میان رهبران کشورها نیست، بلکه صلح میان مردم است، من می‌خواهم اسرائیل را قوی کنم، خیلی قوی. چون تاریخ به ما نشان داده است قدرت، امنیت می‌آورد.»

عباد... بن زاید، وزیر خارجه امارات نیز در این مراسم به سخنرانی پرداخت و گفت که شاهد تغییر در قلب خاورمیانه هستیم.

وی در این سخنرانی گفت: «امروز ما شاهد تغییر در قلب خاورمیانه هستیم؛ تغییری که در سراسر دنیا حس خواهد شد.» این مقام اماراتی همچنین از نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بابت تعلیق طرح اشغال کرانه باختری قدردانی کرد. وزیر خارجه امارات اضافه کرد: «معتقدیم آمریکا نقش مثبتی در خاورمیانه بازی می‌کند و توافقی که امروز آن را امضا می‌کنیم این را نشان می‌دهد. این توافق به ماکم می‌کند در کنار مردم فلسطین بایستیم.» عبداللطیف بن راشد الزیانی، وزیر خارجه بحرین نیز در این مراسم به سخنرانی پرداخت و گفت که توافق امروز کام نخست‌است.

وی در ادامه سخنانش گفت: «از دیرباز درگیری و بی‌اعتمادی‌ها خاورمیانه را عقب نگاه داشته و موجب شده‌اند نتوانمندی‌های بالقوه بهترین مردمان ماشکوف‌انثوند.» این مقام بحرینی گفت: «خطاب به برادرانم در امارات، این توافق صلح تاریخی با اسرائیل را به شما تبریک می‌گویم. خطاب به نخست‌وزیر نتانیاهو و کشور اسرائیل، به رسمیت شناختن صلح توسط شما را تمجید می‌کنیم و خطاب به رئیس‌جمهور ترامپ می‌گویم دیدگاه شما باعث شده صلح به یک واقعیت تبدیل شود.»

وزیر خارجه بحرین در ادامه گفت: «توافق امروز کام نخست‌است. اکنون بر ما فرض است که صلح و امنیتی که مردمان ما شایسته آن هستند را به ارغان بیاوریم.»